

ارزیابی رفاه اجتماعی در مناطق روستایی با تأکید بر دیدگاه ساکنان

محلی مطالعه موردی: دهستان خیر (شهرستان استهبان)

سعیدرضا اکبریانی رونیزی^{۱*}، سید عباس رجایی^۲، مهدی رمضان زاده لسبویی^۳

تاریخ دریافت: ۴ مهر ۱۳۹۳

تاریخ پذیرش: ۹ آذر ۱۳۹۳

چکیده

توسعه روستایی از مهم‌ترین فرآیندهایی است که در کشورهای مختلف جهان همواره مورد توجه است. دستیابی به توسعه نواحی روستایی در هر جامعه‌ای نیاز به شناخت مؤلفه‌های مختلف و تأثیرگذار بر آن است. از جمله این مؤلفه‌ها رفاه اجتماعی می‌باشد که در سایه آن می‌توان بسیاری از مسائل و مشکلات خصوصاً عدم تمایل به ماندگاری در روستاها را کاهش داد. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و با هدف ارزیابی و تعیین سطح رفاه اجتماعی در سکونت‌گاه‌های روستایی دهستان خیر (شهرستان استهبان) تدوین یافته است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر روش اسنادی و میدانی (ابزار پرسشنامه) است. جامعه آماری پژوهش ساکنان هر ۱۲ روستای مستقر در دهستان مورد مطالعه است که با بهره‌مندی از روش کوکران تعداد ۳۱۳ نفر به‌عنوان حجم نمونه تحقیق انتخاب شدند. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری (توصیفی - استنباطی)، روش مورس و تاپسیس استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده حکایت از وجود شکاف عمیق بین وضعیت رفاه اجتماعی در روستاهای دهستان دارد. به‌طوری‌که این میزان بین ۰/۱۱ تا ۰/۹۵ در نوسان است. در مجموع رفاه اجتماعی در روستاهای دهستان از حد متوسط بالاتر (برابر ۰/۵۹۶) می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین رفاه اجتماعی روستاها با دو معیار تعداد جمعیت و خدمات رابطه معنادار مستقیم آماری وجود دارد و نیز بین فاصله از مرکز شهرستان و رفاه اجتماعی روستاها رابطه معنادار غیرمستقیم آماری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: توسعه روستایی، روش تاپسیس، روش مورس، شاخص.

۱- استادیار بخش جغرافیا - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه شیراز

۲- استادیار دانشکده جغرافیا - دانشگاه تهران

۳- استادیار گروه مدیریت جهانگردی - دانشکده علوم انسانی و اجتماعی - دانشگاه مازندران

(* - نویسنده مسئول: akbarian@shirazu.ac.ir)

مقدمه

رفاه اجتماعی در هر جامعه‌ای از اساسی‌ترین نیازهای اجتماعی است که افراد جامعه باید از آن برخوردار باشند. رفاه باعث خلق امنیت، احساس آرامش و اطمینان همه‌جانبه نسبت به حال و آینده است (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰). رفاه اجتماعی، نظامی از قوانین، برنامه‌ها، کمک‌ها و خدماتی است که به نیازهای اولیه مردم و تقویت اطمینان و ایجاد امکانات برای این نیازها جواب می‌دهد؛ این نظام همواره در جهت جوابگویی تغییرات جامعه و گسترش انتظارات و توقع‌های روزافزون مردم، تغییر کرده است (حق جو، ۱۳۸۱).

از قالب‌های رایج در جهت دستیابی به توسعه یا حتی هدف توسعه، رفاه اجتماعی برای توده‌های مردم است (افتخاری و توکلی، ۱۳۸۲) که هدف اولیه آن از بین بردن فقر و محرومیت (باری، ۱۳۸۹) و بالا بودن سطح شاخص‌های آن از جمله مؤلفه‌های پیشرفت و توسعه کشورهاست. توسعه دارای الزامات خاص خود می‌باشد. توجه به رشد اقتصادی باهدف افزایش رفاه از جمله پیش نیازهای لازم توسعه می‌باشد. نتیجه مهم توسعه متوازن، رفاه اجتماعی و برابری اجتماعی است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۷). ولادمیر داخین^۱ محقق روسی درباره ارتباط رفاه اجتماعی و توسعه معتقد است که رفاه اجتماعی، اساس تمامی پارامترهای توسعه است و کیفیت آن می‌تواند تنوع و تفاوت‌های توسعه را توجیه نماید (عینالی و طاهرخانی، ۱۳۸۴). مفهوم رفاه اجتماعی مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی است که نیازهای فردی و اجتماعی افراد جامعه را در حد پذیرفتنی تأمین می‌کند و همه مردم از زندگی در آن شرایط احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌کنند (شایگان، ۱۳۸۹)، بنابراین برای رضایت از زندگی الزامی است چراکه خواسته‌های اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و روانی فرد را تأمین می‌نماید (زیکموند^۲، ۲۰۰۳).

توجه به مقوله رفاه اجتماعی و ارتقاء آن از بعد مکانی، رفاه اجتماعی در مناطق روستایی را تداعی می‌کند. بر اساس راهبردهای توسعه از پایین، توجه به وضع رفاهی محروم‌ترین قشر جامعه که مهم‌ترین نمود آن روستاییان‌اند، باید در سرلوحه توجهات در حوزه برنامه‌ریزی توسعه قرار گیرد (مهربانی، ۱۳۹۱). توسعه روستایی از مهم‌ترین فرآیندهایی است که در توسعه هر کشور خصوصاً کشورهایی که بخش عظیمی از جمعیت آن‌ها در این نواحی سکونت گزیده‌اند، همواره مورد توجه بوده و بر بهبود و ارتقاء وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم ساکن در نقاط روستایی دلالت دارد (شبان^۳، ۲۰۰۰). تراوش اندیشه توسعه در حوزه برنامه‌ریزی روستایی منجر به تحول اساسی در این عرصه گردیده است. تکامل مفهومی توسعه در قالب توسعه پایدار و فصل مشترک آن با رفاه اجتماعی زمینه تقویت رویکرد جدیدی شده که چالش‌های فکری خاصی را به دنبال داشته است. باین حال رفاه اجتماعی روستایی را فرآیندی مستمر و پویا و پایدار که منجر به ایجاد مجموعه شرایط و کیفیت‌ها در تواناسازی مردم روستایی از طریق دولت و نهادهای مدنی و سازمان‌های مسئول برای بهبود مستمر زندگی و کیفیت آنان منجر گردد، می‌دانند. به‌رحال عصاره تفکرات مرتبط با رفاه اجتماعی روستایی ناشی از شرایطی است که در کارآیی رویکردها و برنامه‌های توسعه عینیت می‌یابد. از ارکان توسعه روستایی پایدار تأمین رفاه اجتماعی است. مفهومی آرمانی و ایده‌آل که زمینه مناسبی را برای توسعه همه‌جانبه انسان، جهت حصول به یک زندگی شایسته و توانمند فراهم می‌آورد (عینالی و طاهرخانی، ۱۳۸۴). با این تفاسیر رفاه اجتماعی و ارتقاء آن از مباحث مهم برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی به‌شمار می‌آید که در سایه آن می‌توان مسائلی مانند نابرابری‌ها و فقر را در این نواحی

1- Dakhin

2- Zikmund

3- Shaban

کاهش داد که البته نبود آن می‌تواند توسعه پایدار روستایی را به چالش اساسی بکشانند.

در کشور ما توسعه و زیرساخت‌های آن در نواحی جغرافیایی کشور تفاوت شدیدی را در روند توسعه مناطق به‌ویژه در مناطق روستایی آشکار ساخته است و از آنجایی که اهداف کلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای و یا توسعه اقتصادی برقراری عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه رفاه و ثروت در بین افراد جامعه است برای دستیابی به اهداف فوق در هر جامعه‌ای نیاز به شناخت مؤلفه‌های مختلفی از جمله رفاه اجتماعی است (عربی و خداپرست مشهدی، ۱۳۹۳). بر همین اساس این پژوهش با بررسی رفاه اجتماعی نواحی روستایی دهستان خیر (شهرستان استهبان) در قالب سه بعد اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و محیطی - کالبدی در راستای پاسخگویی به دو سؤال اصلی شامل: الف) رفاه اجتماعی در نواحی روستایی مورد مطالعه در چه سطحی قرار دارد؟ ب) بین رفاه اجتماعی روستاها با مؤلفه‌های تعداد جمعیت، خدمات و نیز فاصله آن‌ها از مرکز شهرستان چه رابطه‌ای وجود دارد؟ Td تدوین یافته است.

از باب ریشه‌شناسی رفاه اجتماعی را می‌توان از ریشه Fare well دانست که معانی خوب بودن و مناسب بودن را تداعی می‌کند (تقوایی و محمودی نژاد، ۱۳۸۵). مفاهیم و حیطه رفاه اجتماعی در کشورهای گوناگون بسیار متغیر است و مفهوم آن در یک کشور با کشوری دیگر متفاوت است. این تفاوت و گوناگونی ناشی از عواملی مانند توسعه کشورها، میزان رشد و تکامل، اهداف و مراحل توسعه، برنامه‌های توسعه و چارچوب‌های فرهنگی اجتماعی است (موسوی و محمدی، ۱۳۸۸).

رفاه اجتماعی در سال‌های اخیر همواره مورد توجه محققان علوم مختلفی قرار گرفته است که خود این امر سبب شده تا تعاریف مختلف و گوناگونی از آن ارائه شود و اتفاق نظر بر روی یک تعریف واحد وجود نداشته باشد، با عین حال رفاه اجتماعی یک اصل لازم و حیاتی برای هر جامعه‌ای به‌شمار می‌آید (میدگلی، ۲۰۰۰). سازمان ملل متحد، واژه رفاه اجتماعی را این‌گونه تعریف کرده است: رفاه اجتماعی دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی را که تحت نظارت و با کمک دولت برای بهزیستی افراد جامعه انجام می‌شود، دربرمی‌گیرد (فیض‌زاده و مدنی، ۱۳۷۹). اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی، رفاه اجتماعی را نظامی که به منظور خدمت و کمک به افراد به وجود می‌آید تا سلامت، زندگی بهتر و موجبات روابط مناسب‌تری را برای پیشرفت استعدادها، قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان فراهم می‌سازد، تعریف نموده است (یزدانی، ۱۳۸۲). در تعریفی دیگر رفاه اجتماعی عبارت از مجموعه سازمان یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم سازد (زاهدی اصل، ۱۳۸۸). طالب (۱۳۶۸) بر این باور است که اگرچه در تعریف واژه رفاه اجتماعی اتفاق نظر وجود ندارد، دو مفهوم کلی از این واژه در نظریات ارائه شده به دست می‌آید: نخست، مفهومی که بسیار کلی است و شامل حالتی است که در آن کلیه نیازهای مادی و معنوی افراد یک جامعه، ارضا شده باشد. این مفهوم از رفاه اجتماعی سایر واژه‌های مشابه مثل خدمات اجتماعی و تأمین اجتماعی را شامل می‌گردد. دوم مفهومی که رفاه اجتماعی را در حد و مترادف با خدمات اجتماعی قرار می‌دهد (فیض‌زاده و مدنی، ۱۳۷۹).

در نظریه‌های بنیادی رفاه اجتماعی نیز بر دو نظریه تأکید می‌شود که نظریه ترمیمی با تکیه بر آزادی فردی در زندگی اجتماعی بیان می‌کند که در رویکرد تأمین و رفاه اجتماعی می‌باید اجتماع را آزاد گذاشت تا به هر صورتی که تمایل دارند، در آن سرمایه‌گذاری کنند. در مقابل نظریه نهادی بر آن است که دولت باید برای تأمین نیازهای اجتماعی و تحقق رفاه اقدام به برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های متواتر نماید که از سه طریق خدمات عمومی، بیمه‌های اجتماعی و

حمایت اجتماعی اعمال می‌شود (تقوایی و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۵). امروزه در تشریح رفاه اجتماعی سه مفهوم محوری مدنظر است: اول محور ایمنی جامعه یعنی برنامه‌های رفاه اجتماعی باید راه کارهایی برای حل یا کنترل مسائلی که ماهیت اجتماعی دارند ارائه دهد، دومین محور ارتقای سطح زندگی یعنی برنامه‌های رفاه می‌باید علاوه بر توجه به نیازهای زیستی، مسکن، آموزش و بهداشت به دیگر نیازهای بشری هم توجه کند؛ و محور سوم برابری فرصت‌ها است یعنی ایجاد شرایطی که افراد برای ارتقای اجتماعی، کسب شغل، آموزش و غیره صرف‌نظر از موقعیت فردی از شرایط برابر برخوردار باشند (مسعود اصل، ۱۳۸۸).

افزایش رفاه اجتماعی یگانه هدف توسعه اقتصادی نیست؛ اما از اهداف بسیار مهم آن است. نظریه‌های مختلف اقتصاد توسعه، در مجموع ر اهردهایی را به کشورهای در حال توسعه پیشنهاد می‌کنند که می‌توان آن‌ها را در دو گروه کلی ر اهردهای از بالا به پایین و از پایین به بالا طبقه‌بندی کرد. ر اهردهای از بالا به پایین علاوه بر برون‌نگری یا جهت‌گیری خارجی عمدتاً ماهیت صنعت شهری دارند. ر اهرد توسعه از پایین، ر اهردی جدیدتر بوده و بازتابی از تغییر اندیشه‌های مربوط به ماهیت و مقصود خود توسعه است و از ویژگی‌های مهم آن روستا محور بودن است. در این ر اهرد توجه به قشر روستایی در اولویت سیاست‌گذاری توسعه قرار دارد و تلاش می‌شود مهم‌ترین نیازهای این افراد تأمین شود تا توانمندی آن‌ها افزایش یابد و مسیر توسعه را هموار سازند (مهربانی، ۱۳۹۱). در مورد رفاه اجتماعی روستایی به کارگیری زمینه‌های تئوریک و نظری رفاه اجتماعی در مکاتب فکری مختلف مانند مکاتب فکری اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و محیطی مرتبط با رفاه اجتماعی روستایی، مؤید عمق اهمیت و جایگاه ارزشی این واژه می‌باشد. در همین خصوص بررسی‌ها بیانگر نقاط مشترک و متفاوت عمده مکاتب مذکور در ارتباط با رفاه اجتماعی روستایی است (افتخاری و توکلی، ۱۳۸۲) (جدول ۱).

جدول ۱. نقاط مشترک و تفاوت‌های عمده مکاتب مرتبط با رفاه اجتماعی روستایی

تفاوت‌ها	نقاط مشترک
- داشتن نگرش‌های مختلف به هدف گزاریه‌ها (فردی، اجتماعی، کارکردی، ساختاری و محلی)	- تأکید بر حوزه‌های آسیب‌پذیری به صورت عام
- تأثیرپذیری از بافت و بستر اجتماعی جامعه	- تأکید بر مکانیزم‌های کاهش‌دهنده آسیب‌پذیری
- تأثیرپذیری از سطح پیشرفت و توسعه جامعه	- محدودانگاری قضایای معرف در هر حوزه غالب نظریه‌ها (نداشتن نگرش سیستماتیک)
- به کارگیری مکانیزم‌های مرتبط با سیاست‌گذاری‌های کلان	ابزارانگاری در کاهش آسیب‌ها
خردنگری در ارائه سیاست‌ها و ر اهردهای بنیادی	- توجه به ابعاد ملموس و مشخص
- جهت‌گیری متناسب با مشکلات و مسائل محیطی اجتماعی	

مأخذ: افتخاری و توکلی، ۱۳۸۲.

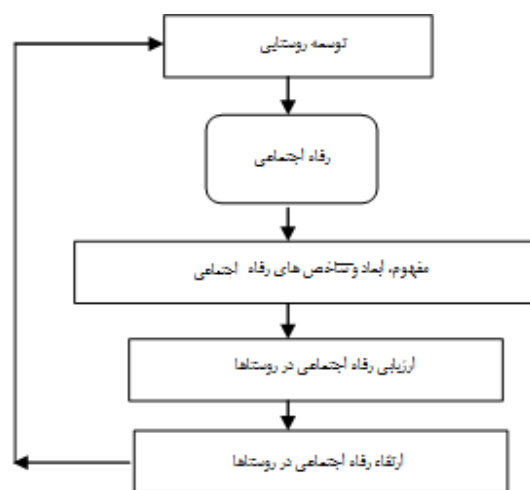
در علم جغرافیا آنچه بیشتر از همه لزوم توجه به رفاه اجتماعی در روستاها را تبیین می‌کند، تنوع فضاهای زیستی، گستردگی عرصه مکانی و همچنین سطوح برخورداری و عدم برخورداری از امکانات موردنیاز و وجود عوامل تهدیدکننده مکانی است. دیوید هاروی جغرافی‌دان بود که در کتاب خود مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به خیر و صلاح همگانی، ملاک توزیع درآمد در مکان‌ها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی به کار می‌برد (افتخاری و توکلی، ۱۳۸۲). همچنین دیوید اسمیت از دیگر جغرافی‌دانانی بود که درباره کیفیت زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی در جغرافیا صحبت نمود

و برای بررسی کیفیت زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی از شاخص‌های اجتماعی ذهنی و مقایسه عینی استفاده می‌کند (جاجرمی و کلت، ۱۳۸۵). بررسی و تحلیل مسائل اجتماعی و بهزیستی بنا به دلایلی مورد توجه جغرافی‌دانان قرار می‌گیرد که شکل‌های متفاوتی در مکان‌های مختلف به خود گرفته‌اند و شدت و ضعف‌های متنوعی دارد.

رفاه اجتماعی مفهومی چندبعدی است که بر سه مؤلفه نیازها (آنچه مردم باید داشته باشند)، منافع (آنچه برای مردم خوب و سودمند است) و خواسته‌ها (آنچه مردم برای خود انتخاب می‌کنند) دلالت دارد. این مفهوم با سؤالاتی راجع به امکانات رفاهی زندگی، مسکن، خودرو و میزان درآمد قابل اندازه‌گیری است (شایگان، ۱۳۸۹)؛ بنابراین برای ارزیابی رفاه اجتماعی نیازمند به شاخص‌ها هستیم. امروزه شاخص‌ها به‌عنوان ابزارهای ارزیابی و ارتباطی مفید، قابل اعتماد و جامع برای تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان، توسعه یافته‌اند (شیانترز^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). به‌طور کلی شاخص‌ها را می‌توان در دو دسته به‌صورت عینی^۲ و ذهنی^۳ طبقه‌بندی نمود. شاخص‌های عینی عموماً به داده‌های کمی اطلاق می‌شوند و اکثریت آن‌ها را می‌توان با استفاده از معادلات مختلف تشریح نمود. شاخص‌های ذهنی مبتنی بر احساس و درک شخص بوده که معمولاً با تحقیقات پیمایشی و روش تحقیق کیفی اندازه‌گیری و قابل تشریح هستند. امروزه شاخص‌های عینی به‌صورت گسترده-ای مورد استفاده قرار می‌گیرد که دلایل آن جمع‌آوری دقیق این شاخص‌ها است (تساورو^۴ و همکاران، ۲۰۰۶). در همین ارتباط باید به این موضوع توجه شود که شاخص‌ها زمانی می‌توانند بیانگر واقعیت‌های موجود باشند که وضعیت‌های خاص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن جامعه را در نظر بگیرند. اصولاً در ارزشیابی میزان رفاه اجتماعی یک جامعه اولویت با شاخص‌هایی است که بر واقعیت اجتماعی منطبق و به سهولت قابل بررسی و اندازه‌گیری باشند (لطیفی و سجاسی قیداری، ۱۳۹۱).

در آماره‌های اجتماعی ۲۰۰۰ اروپا شاخص‌های رفاه در زمینه‌های مختلفی شامل نیازهای اساسی، امکانات مالی، وضعیت مسکن، استفاده از کالاهای مصرفی بادوام، سلامت و رضایت معرفی شده‌اند (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸). سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۵ که اکثر اعضاء آن را کشورهای صنعتی اروپای غربی تشکیل می‌دهند، مؤلفه‌های رفاه اجتماعی را در ۱۰ زمینه دسته‌بندی نموده که عبارت‌اند از: بهداشت، آموزش و یادگیری، اشتغال، اوقات فراغت، موقعیت اقتصادی فرد، محیط فیزیکی زیست، محیط و روابط اجتماعی، امنیت فردی و اجتماعی، مشارکت و فرصت‌های اجتماعی (زاهدی اصل، ۱۳۸۸). شاخص‌های مورد تأکید اسمیت در بررسی رفاه و عدالت اجتماعی، بهداشت، مسکن، خدمات عمومی، شادمانی خانوادگی، تعلیم و تربیت، فرصت‌های اشتغال، حقوق و مزد، خوراک، حق رأی، امید به زندگی، مصرف سرانه پروتئین حیوانی، درصد ثبت‌نام در مدارس، تعداد متوسطه تلفن و روزنامه تشکیل می‌دادند (جاجرمی و کلت، ۱۳۸۵). افتخاری و توکلی (۱۳۸۲) در اندازه‌گیری و تحلیل رفاه اجتماعی روستایی زمینه‌های مختلفی از جمله شرایط محیطی عینی، شرایط محیطی ذهنی، شرایط درون‌دادی نظام اجتماعی و شرایط برون‌دادی نظام اجتماعی را مدنظر قرار داده‌اند. با این تفاسیر مطالعات نشان می‌دهد برای اندازه‌گیری رفاه اجتماعی معیارها و شاخص‌های مختلفی ارائه شده است. لذا در این بین آنچه حائز اهمیت است، بررسی و شناخت این معیارها و به‌کارگیری آن‌ها البته با تأکید بر هدف پژوهش و نیز دسترسی به داده‌ها، می‌باشد.

1-Schianetz
2- Objective
3- Subjective
4-Tsaur
5- O.E.C.D



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

مأخذ: نگارندگان

پیشینه تحقیق

شواهد حاکی از آن است که تاکنون مطالعات داخلی چندانی در ارتباط با ارزیابی رفاه اجتماعی در روستاها به صورت موردی انجام نشده است و عمده مطالعات به صورت مروری و نظری و بعضاً به صورت ترکیبی و به بررسی رابطه رفاه اجتماعی با دیگر مقوله‌های توسعه انجام شده است (حق جو، ۱۳۸۱؛ یزدانی، ۱۳۸۲؛ چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸؛ شایگان، ۱۳۸۹؛ هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰؛ فرهمند، ۱۳۹۲). از مهم‌ترین مطالعات در حوزه روستایی می‌توان به این موارد اشاره نمود: افتخاری و توکلی (۱۳۸۲) در مطالعه خود با عنوان رفاه اجتماعی روستایی؛ رویکردی شناختی در تبیین معرف‌ها، بیان می‌دارند که در مورد تحلیل رفاه اجتماعی روستایی به شناسایی معرف‌های مبین کمتر پرداخته شده، به طوری که اکثر تحقیقات معناکاوی بوده‌اند. احمدوند و همکاران (۱۳۹۱) با بررسی تأثیر رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی شهرستان بویراحمد به این نتیجه رسیدند که بین رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی رابطه معنادار آماری وجود دارد. عربی و خدایرست مشهدی (۱۳۹۳) در مقایسه معیارهای رفاه اجتماعی، توزیع درآمد و فقر خانوارهای روستایی استان خراسان شمالی و کشور طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۴، بیان می‌دارند رفاه اجتماعی مناطق روستایی روند کاهشی در سطح استان خراسان شمالی و کشور داشته است و مناطق روستایی استان خراسان شمالی در مقایسه با کشور وضعیت بدتری در زمینه رفاه خانوار دارد. همچنین لطیفی و قیداری (۱۳۹۰) در مطالعه خود با عنوان رتبه‌بندی سطح رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان به این نتیجه رسیده‌اند که نابرابری در مقوله رفاه اجتماعی در بین شهرستان‌های استان زنجان وجود دارد.

روش‌شناسی و معرفی محدوده مطالعاتی

روش تحقیق این مقاله توصیفی تحلیلی، گردآوری داده‌ها به دو روش اسنادی و میدانی جمع‌آوری شده است. در بخش اسنادی به مطالعه مبانی تئوریک موضوع و داده‌های موردنیاز پرداخته شده و نیز روش میدانی مبتنی بر روش پرسشنامه می‌باشد. محدوده مورد مطالعه این پژوهش دهستان خیر (واقع در شهرستان استهبان) است؛ که در این دهستان تعداد ۱۲ روستا استقرار دارد که مطابق سرشماری سال ۱۳۸۵ در این تعداد روستا ۲۶۵۴ خانوار و ۱۱۱۷۶ نفر جمعیت سکونت دارند؛

که بر اساس روش کوکران تعداد ۳۱۳ نفر از ساکنان روستایی به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شده‌اند. با توجه به هدف موردنظر و نیز دسترسی به داده‌های موردنیاز با بررسی و تحلیل محتوای مطالعات مربوطه تعداد ۳۴ شاخص (۲۶ شاخص ذهنی و ۸ شاخص عینی) در قالب سه بعد اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و محیطی و کالبدی انتخاب شده‌اند (جدول ۲). روایی پرسش‌نامه با بهره‌مندی از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۲۹ و نیز پایایی برابر ۰/۷۱۱ محاسبه شده است. همچنین به منظور پردازش داده‌ها از روش‌های آماری (توصیفی و استنباطی) و نیز از مدل شاخص ناموزون موریس و مدل تاپسیس استفاده شده است. شایان ذکر است که به منظور هم مقیاس‌سازی شاخص‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS داده‌های کیفی به کمی تبدیل و نیز وزن دهی به شاخص‌ها در خود مدل تاپسیس انجام گرفته است.

جدول ۲. شاخص‌های رفاه اجتماعی به تفکیک ابعاد

بعد	شاخص
اجتماعی	نرخ باسوادی زنان، نرخ باسوادی مردان، جوانی جمعیت، رضایت از زندگی خانوادگی، رضایت از خدمات درمانی، سلامت و تندرستی، رضایت از پیشرفت در زندگی، امنیت در زندگی، امنیت در روستا، رضایت از جایگاه و موقعیت اجتماعی، شادی و خوشی در زندگی، ارتباط و معاشرت با دیگران، امیدواری به آینده، مدت زمان اوقات فراغت، رضایت از امکانات گذران اوقات فراغت، بیمه تأمین اجتماعی، شرکت در مراسم روضه و عزاداری، رضایت از امکانات زندگی، اعتماد به دیگران
اقتصادی	بارتکفل، نسبت جمعیت فعال به جمعیت کل، اشتغال مردان، اشتغال زنان، رضایت از شغل، دسترسی به بازار خرید و فروش، رضایت از هزینه زندگی، درآمد.
محیطی کالبدی	نسبت خانوار به واحد مسکونی، کمیت مسکن، رضایت از کیفیت مسکن، بهداشت محیط روستا، امکانات ارتباطی (مخابرات پست و...)، رضایت از اجرای طرح‌های عمرانی، رضایت از جاده و دسترسی به مراکز برتر.

مأخذ: یافته‌های نگارندگان

بحث و یافته‌ها

در پژوهش حاضر با توجه به محدودیت و دسترسی به داده‌ها تعداد ۸ شاخص عینی که در جدول ۳ آورده شده، انتخاب گردید. در همین رابطه به منظور ارزیابی وضعیت شاخص‌های عینی رفاه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه از شاخص ناموزون موریس استفاده شده است. یافته‌های به دست آمده بیانگر آن است که در مجموع مقدار ضریب محاسبه شده شاخص‌های عینی در روش موریس برابر ۰/۵۵ محاسبه شده که در بین روستاهای دهستان، روستای ماهفرخان با مقدار ۰/۷۱ و روستای لای‌خرمی با مقدار ۰/۳۷ بیشترین و کمترین مقدار ضریب موریس را به خود اختصاص داده‌اند.

یافته‌های توصیفی مبتنی بر روش میدانی مربوط به ویژگی‌های پاسخگویان بیانگر آن است که از مجموع ۳۱۳ نفر پاسخگو ۸۱/۱۵ درصد مردان و ۱۸/۸۵ درصد را زنان تشکیل داده‌اند که متوسط سنی آن‌ها برابر ۴۱/۲ سال می‌باشد. از نظر تحصیلات بیشترین تعداد نمونه دارای تحصیلات متوسطه (۳۴/۳ درصد) و از نظر وضعیت شغلی بیشترین آن‌ها در بخش کشاورزی و دامداری (۳۹/۲ درصد) فعالیت داشته‌اند.

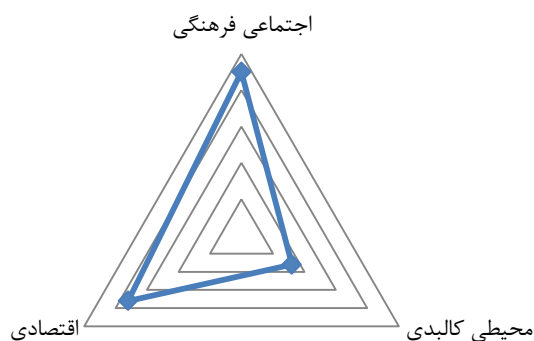
به منظور ارزیابی رفاه اجتماعی در نواحی روستایی دهستان مورد مطالعه تعداد ۲۶ شاخص ذهنی در قالب سه بعد اجتماعی فرهنگی، محیطی - کالبدی و اقتصادی مورد مطالعه قرار گرفته شد. نتایج حاصله نشان از آن دارد که متوسط میانگین شاخص‌ها در بعد اجتماعی فرهنگی برابر ۳/۴۵ است که این مقدار میانگین از ۲/۸۲ در روستای لای‌خرمی تا

۴/۲۱ در روستای ماهفرخان در نوسان می‌باشد. در بعد محیطی کالبدی میانگین شاخص‌ها برابر ۳/۱۶ محاسبه شده که از مقدار ۲/۷۱ در روستای لای خرمی تا ۴/۱۱ در روستای بنوان در نوسان و نهایتاً میانگین شاخص‌های بعد اقتصادی برابر ۳/۲۶ می‌باشد که از حداقل ۲/۶۵ در روستای دهویه تا ۳/۹۵ در روستای ماهفرخان در نوسان است (جدول ۴).

جدول ۳. ارزیابی شاخص‌های عینی مورد مطالعه به تفکیک روستاها

روستا	باسوادی مردان	باسوادی زنان	ضریب جوانی	نسبت خانوار به واحد مسکونی	جمعیت فعال به کل جمعیت	شاغل مرد	شاغل زن	بار تکفل	مقدار شاخص موریس
محمدآباد	۹۰/۳۸	۸۳/۸۱	۲۲/۶	۱/۰۸	۳۱/۳۹	۵۵/۹۹	۱۶/۸۲	۲/۱۹	۰/۵۳
دستجرد	۸۵/۴۹	۷۳/۱۴	۲۱/۵	۱/۰۷	۲۶/۳۴	۵۴/۱	۲/۵۴	۲/۸	۰/۳۹
دهویه	۸۱/۲۵	۷۶/۴۷	۱۹/۶	۱/۰۸	۲۷/۴۵	۵۹/۰۹	۴/۳۵	۲/۶۴	۰/۳۸
مبارک‌آباد	۸۵/۶۵	۷۹/۳	۲۰/۷	۱/۰۲	۲۴/۲۳	۵۴/۰۸	۲/۲۳	۳/۱۳	۰/۴۴
بنوان	۹۴/۶۹	۸۲/۴۶	۲۱/۱	۱/۰۵	۳۰/۶۸	۵۵/۲۱	۱۴/۸۸	۲/۲۶	۰/۶۴
ماهفرخان	۹۱/۳۵	۸۳/۶۴	۲۴/۴	۱/۰۴	۳۵/۱۹	۶۳/۷۵	۱۷/۶	۱/۸۴	۰/۷۱
دربندان	۹۰/۲	۸۵/۷۱	۲۶/۳	۱	۲۷/۹۷	۶۳/۰۴	۷/۵۵	۲/۵۸	۰/۶۵
سهل‌آباد	۹۰/۴۹	۸۱/۶۴	۲۲/۴	۱/۰۹	۳۴/۸	۶۹/۷۷	۸/۰۷	۱/۸۷	۰/۵۸
خانه‌کت	۸۰/۰۹	۶۹/۱۹	۳۳/۶	۱/۱۵	۳۷/۲۶	۷۱/۹۳	۲۳/۶۴	۱/۶۸	۰/۵۹
دامنه	۸۸/۷۳	۸۳/۱۱	۲۸	۱/۰۷	۳۱/۷۳	۶۱/۲۲	۱۶	۲/۱۵	۰/۶۶
قشم قاوی	۸۶/۷۹	۷۳/۳۱	۳۳/۵	۱/۱	۳۶/۹۶	۷۱/۳۱	۲۲/۶۹	۱/۷۱	۰/۶۹
لای خرمی	۷۵	۵۷/۸۹	۱۴/۶	۱/۰۹	۴۸/۷۸	۹۵	۵/۵۶	۱/۰۵	۰/۳۷

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و محاسبات نگارندگان



شکل ۳. وضعیت ابعاد مورد مطالعه در روستاها

جدول ۴. یافته‌های توصیفی شاخص‌های ذهنی به تفکیک ابعاد و روستاها

روستا	اجتماعی فرهنگی		اقتصادی		محیطی کالبدی	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
محمدآباد	۳/۶۸	۰/۶۱	۳/۳۵	۰/۹۶	۳/۰۶	۱/۲۳
دستجرد	۳/۸۵	۰/۳۹	۳/۵	۰/۶۲	۳/۳۱	۰/۶۴
دهویه	۳/۰۶	۰/۸۶	۲/۹۹	۱/۰۳	۲/۶۵	۰/۷۷
مبارک‌آباد	۳/۱۸	۰/۹۲	۳/۵۶	۰/۷۸	۳/۱۹	۰/۹۱
بنوان	۴/۰۸	۰/۳۵	۴/۱۱	۰/۴۹	۳/۷۳	۰/۴۳
ماه فرخان	۴/۲۱	۰/۲۷	۳/۹۸	۰/۵۵	۳/۹۵	۰/۶۱
دربندان	۲/۹	۱/۰۵	۳/۰۱	۰/۷۵	۳	۱/۰۹
سهل‌آباد	۳/۹	۰/۴۳	۴/۰۵	۰/۵۹	۳/۴۲	۰/۵۳
خانه کت	۳/۳۹	۰/۹۸	۳/۱۱	۱/۱	۳/۰۷	۱/۲۲
دامنه	۳/۱	۰/۶۷	۳	۰/۷۷	۲/۸۴	۱/۰۶
قشم قاوی	۳/۲۶	۰/۷۹	۳/۰۲	۰/۹۵	۲/۸۶	۰/۹۳
لای خرمی	۲/۸۲	۰/۹۴	۲/۷۱	۱/۲۱	۲/۸۱	۰/۹۹
کل روستاها	۳/۴۵	۰/۷۳	۳/۳۶	۰/۸۷	۳/۱۶	۰/۹۴

مأخذ: یافته‌های میدانی و محاسبات نگارندگان

ارزیابی وضعیت شاخص‌های ذهنی به تفکیک ابعاد سه‌گانه با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که وضعیت رفاه اجتماعی در هر سه بعد مورد مطالعه بالاتر از حد متوسطه ارزیابی شده است. در همین رابطه مقدار T که میزان انحراف از حد متوسط را نشان می‌دهد، نشان از آن دارد که به ترتیب ابعاد اجتماعی فرهنگی، محیطی - کالبدی و اقتصادی مناسب‌ترین وضعیت را دارا هستند (جدول ۵). همچنین مطالعه تطبیقی روستاهای مورد مطالعه از لحاظ ابعاد رفاه اجتماعی پژوهش با استفاده از روش تحلیل واریانس یک‌طرفه همان‌طوری که جدول ۶ نشان می‌دهد، بیانگر آن است که بین روستاهای دهستان خیر از لحاظ شاخص‌های ذهنی رفاه اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵. نتایج تحلیلی شاخص‌های ذهنی به تفکیک ابعاد بر اساس آزمون T تک نمونه‌ای

بعد	آماره T	میانگین	سطح معناداری	حد متوسط
اجتماعی فرهنگی	۱۲/۲۲۱	۵۶/۱۲۱	۰/۰۰۱	۴۸
زیست محیطی و کالبدی	۷/۰۵۸	۲۰/۰۹۳	۰/۰۰۱	۱۸

اقتصادی

۲/۸۳۵ ۱۲/۶۱ ۰/۰۰۵ ۱۲

مأخذ: یافته‌های میدانی و محاسبات نگارندگان

ارزیابی وضعیت رفاه اجتماعی (شاخص‌های عینی و ذهنی) و سطح‌بندی روستاها: در راستای ارزیابی وضعیت نهایی رفاه اجتماعی روستاهای دهستان خیر و سطح‌بندی روستاها به ترکیب شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی و پردازش آن‌ها در مدل TOPSIS اقدام گردید. نتایج حاصله بر اساس این تکنیک نشان می‌دهد که متوسط میزان رفاه اجتماعی (cli) در روستاهای دهستان برابر ۰/۵۴۶ است که در بین روستاهای مورد مطالعه مقدار آن از حداقل ۰/۱۱ برای روستای لای خرمی تا حداکثر ۰/۹۵ برای روستای ماهفرخان در نوسان است. به‌منظور سطح‌بندی روستاهای دهستان از لحاظ وضعیت رفاه اجتماعی با بهره‌گیری از روش تحلیل کلاستر اقدام شد که بر این اساس روستاهای ماهفرخان، بنوان و سهل‌آباد در سطح یک، روستای محمدآباد در سطح دو، روستای لای خرمی در سطح چهار و ۷ روستای دیگر در سطح سه قرار دارند (جدول ۷ و شکل ۴).

جدول ۶. آزمون تحلیل واریانس بین ابعاد مورد مطالعه

بعد	سطح معناداری	جمع مجذورات		میانگین مجذورات	
		بین گروهی	درون گروهی	بین گروهی	درون گروهی
اجتماعی فرهنگی	۰/۰۰۱	۵۶۰۵/۶۹۴	۳۷۵۲۳/۶۹	۵۰۹/۶۰۹	۱۲۴/۶۶۳
زیست محیطی و کالبدی	۰/۰۰۱	۱۷۳۲/۶۵۹	۶۸۵۱/۶۵۴	۱۵۷/۵۱۴	۲۲/۷۶۳
اقتصادی	۰/۰۰۱	۷۸۰/۰۴۴	۳۶۵۰/۸۳۲	۷۰/۹۱۳	۱۲/۱۲۹

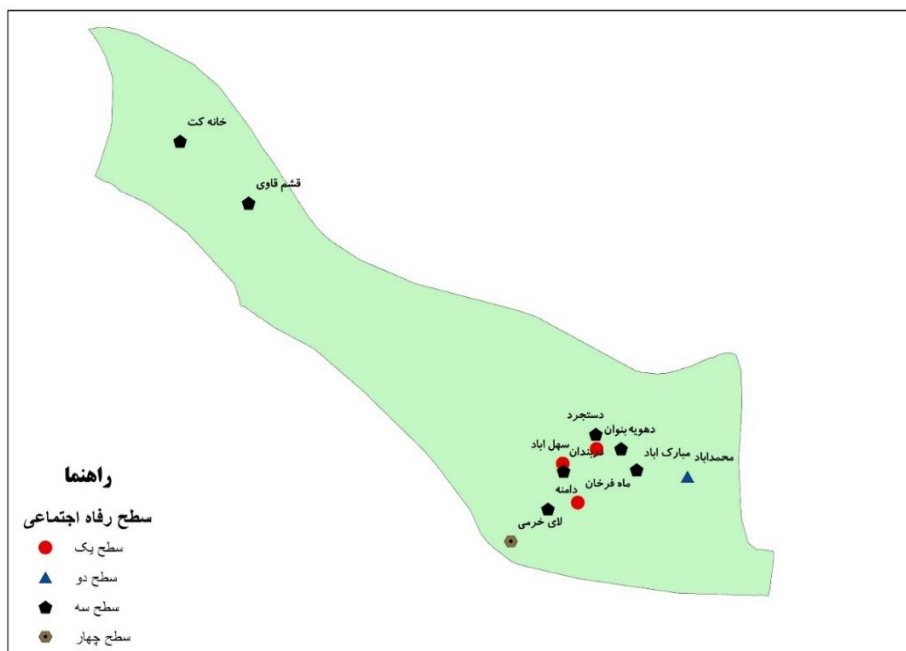
مأخذ: یافته‌های میدانی و محاسبات نگارندگان

جدول ۷. ارزیابی رفاه اجتماعی و سطح‌بندی روستاهای دهستان خیر

روستا	متوسط رفاه اجتماعی	رتبه	سطح
محمدآباد	۰/۶۹	۴	دو
دستجرد	۰/۵۱	۵	سه
دهویه	۰/۳۴	۱۱	سه
مبارک‌آباد	۰/۴۹	۶	سه
بنوان	۰/۸۴	۲	یک
ماهفرخان	۰/۹۵	۱	یک
دربندان	۰/۴۰۲	۱۰	سه
سهل‌آباد	۰/۸۱	۳	یک
خانه‌کت	۰/۴۸	۷	سه
دامنه	۰/۴۶	۹	سه
قشم قاوی	۰/۴۷	۸	سه

بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر رفاه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه

بررسی رابطه بین تعداد جمعیت و میزان رفاه اجتماعی نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین این دو معادل ۰/۹۱۳ بوده و سطح معناداری آن ۰/۰۰۱ است. بر این اساس می‌توان اذعان داشت که در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین میزان رفاه اجتماعی و تعداد جمعیت رابطه معنادار مستقیم آماری (همبستگی مثبت) وجود دارد یعنی به ازای افزایش جمعیت، رفاه اجتماعی روستاها افزایش یافته است. بررسی رابطه بین رفاه اجتماعی روستاها و میزان امکانات و خدمات نشان از وجود ضریب همبستگی مثبت برابر ۰/۷۹۶ با سطح معناداری ۰/۰۰۲ است بنابراین می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفت که با افزایش میزان امکانات و خدمات، رفاه اجتماعی روستاها افزایش یافته است. از دیگر معیارهای مورد مطالعه دوری و نزدیکی به شهر استهبان (مرکز شهرستان) است که بدین منظور میزان فاصله روستاهای دهستان تا این شهر در نظر گرفته شد. نتایج بررسی رابطه بین فاصله تا شهر با میزان رفاه اجتماعی نشان می‌دهد ضریب همبستگی محاسبه شده برابر ۰/۲۳- و سطح معناداری در سطح ۰/۰۱۲ است؛ که نشان از رابطه معنادار غیرمستقیم آماری (همبستگی منفی) دارد، به عبارتی با افزایش میزان فاصله از مرکز شهرستان، رفاه اجتماعی روستاها تنزل می‌یابد (جدول ۸).



شکل ۴. سطح رفاه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه

جدول ۸. ضریب همبستگی رفاه اجتماعی و معیارهای مورد مطالعه

معیار	ارزش	رفاه اجتماعی
جمعیت	میزان همبستگی	۰/۹۱۳

امکانات و خدمات	
سطح معناداری	۰/۰۰۱
میزان همبستگی	۰/۷۹۶
سطح معناداری	۰/۰۰۲
میزان همبستگی	-۰/۲۳
سطح معناداری	۰/۰۱۲

دوری و نزدیکی به مرکز شهرستان

نتیجه گیری

رفاه اجتماعی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌های توسعه روستایی است که عدم توجه به آن توسعه به‌طور عام و توسعه پایدار به‌طور اخص در این نواحی را با چالش مواجه می‌کند. ارتقاء رفاه اجتماعی که از محورهای انسانی و اساسی توسعه پایدار روستایی به‌شمار می‌آید فرآیندی است که منجر به ایجاد مجموعه شرایط و کیفیت‌ها در تواناسازی مردم روستایی می‌گردد و می‌تواند بسیاری از مسائل و مشکلات از جمله فقر و محرومیت را کاهش می‌دهد. در راستای هر گونه تلاش و برنامه‌ریزی به‌منظور ارتقاء رفاه اجتماعی در نواحی روستایی شناخت میزان و سطح رفاه و عوامل مؤثر بر آن ضروری به‌نظر می‌رسد. بر همین اساس در این مطالعه به بررسی و ارزیابی رفاه اجتماعی در نواحی روستایی دهستان خیر (شهرستان استهبان) با استفاده از شاخص‌های عینی و ذهنی اقدام گردید. یافته‌های به‌دست آمده از تحلیل شاخص‌های عینی نشان - داد متوسط مقدار شاخص‌ها در سطح روستاهای دهستان برابر ۰/۵۵ است که روستاهای ماهفرخان و لای خرمی بیشترین و کمترین مقدار شاخص‌های عینی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین نتایج تحلیل شاخص‌های ذهنی بیانگر آن بود که رفاه اجتماعی در روستاهای دهستان در هر سه بعد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و بعد محیطی کالبدی از حد متوسط بالاتر بود (همسویی با یافته‌های احمدوند و همکاران، ۱۳۹۳)، همچنین نتایج مطالعه تطبیقی وضعیت رفاه اجتماعی در روستاها نشان داد که تفاوت معناداری در بین روستاهای دهستان از لحاظ شاخص‌های ذهنی در هر سه بعد وجود دارد.

در مجموع نتایج حاصله از ترکیب شاخص‌های عینی و ذهنی مورد مطالعه و پردازش آنها در مدل تاپسیس بیانگر آن بود که متوسط رفاه اجتماعی در روستاهای دهستان برابر ۰/۵۴۶ است که در بین روستاها، رفاه اجتماعی روستاهای ماهفرخان، بنوان، دستجرد، سهل‌آباد و محمدآباد بالاتر از مقدار متوسط محاسبه گردید و در کل روستای ماهفرخان (با میزان رفاه اجتماعی برابر ۰/۹۵) بالاترین رتبه و روستای لای خرمی (با میزان رفاه اجتماعی برابر ۰/۱۱) پایین‌ترین رتبه را در بین روستاهای دهستان خیر به خود اختصاص داده‌اند که حکایت از وجود شکاف عمیق بین وضعیت رفاه اجتماعی در روستاهای دهستان داشت (همسویی با یافته‌های لطیفی و سجاسی قیادری، ۱۳۹۰؛ عربی و خداپرست مشهدی، ۱۳۹۳). همچنین نتایج حاصله از بررسی رابطه میزان رفاه اجتماعی روستاها با تعداد جمعیت و میزان امکانات و خدمات در روستاها بیانگر وجود رابطه معنادار مستقیم آماری (همبستگی مثبت) و بررسی رابطه رفاه اجتماعی روستاها و معیار فاصله آن‌ها از مرکز شهرستان نشان از وجود رابطه معنادار غیرمستقیم آماری (همبستگی منفی) داشت. با این تفسیر ملاحظه می‌شود که سه مؤلفه مذکور نقش مؤثری در رفاه اجتماعی نواحی روستایی مورد مطالعه داشته‌اند.

در پایان باید اذعان داشت از آنجاکه رفاه اجتماعی از مؤلفه‌های مهم توسعه پایدار روستایی به‌شمار می‌آید بنابراین هیچ‌گونه برنامه و سیاستی نمی‌تواند بدون توجه به ارتقاء رفاه اجتماعی در نواحی روستایی برای کاهش و از میان برداشتن مسائل و مشکلات در این نواحی انجام گیرد، لذا پیشنهاد می‌گردد با تهیه و اجرای برنامه‌های راهبردی، توسعه امکانات و خدمات، بهره‌گیری از توانمندی‌ها و پتانسیل‌های روستاها، ایجاد و تنوع فعالیت‌های اقتصادی روستاها و پایدار نمودن

معیشت روستائیان، شناسایی افراد مستمند و ارتقاء سطح رفاه آن‌ها و مشارکت و دخالت دادن روستائیان در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه، در افزایش سطح رفاه اجتماعی در نواحی روستایی گام اساسی برداشته شود.

منابع

- احمدوند، م.، هدایتی نیا، س. و عبداللهی، خ. ۱۳۹۱. بررسی تأثیر رفاه و سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی شهرستان بویر احمد. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۲: ۸۹-۱۱۲.
- افتخاری، ع. و توکلی، م. ۱۳۸۲. رفاه اجتماعی روستایی؛ رویکردی شناختی در تبیین معرف‌ها. فصلنامه مدرس، ۲: ۸۳-۶۱.
- باری، ن. ۱۳۸۹. رفاه اجتماعی. ترجمه میر حسینی س. و نوربخش م. سمت، ایران.
- تقوایی، ع. ا. و محمودی نژاد، ه. ۱۳۸۵. توسعه پایدار شهری و رفاه اجتماعی شهروند. نشریه جستارهای شهرسازی، ۱۵ و ۱۶: ۳۶-۴۷.
- جاجرمی، ک. و کلتی، ا. ۱۳۸۵. سنجش وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان مطالعه موردی: گنبد قابوس. فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۸: ۱۸-۵.
- چلی، م. و مبارکی، م. ۱۳۸۴. تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۲: ۳-۴۴.
- حق‌جو، ن. ۱۳۸۱. رفاه اجتماعی و توسعه (مروری بر کارکرد برخی نهادهای حمایتی ایران). فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶: ۷۵-۹۶.
- ربانی ر.، کلانتری، ص.، قاسمی و.، عریضی، ف. و اسماعیلی، ر. ۱۳۸۷. بررسی رابطه رفاه اجتماعی با سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه (مطالعه موردی شهرستان‌های استان اصفهان). مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ۱: ۴۶-۲۳.
- زاهدی اصل، م. ۱۳۸۸. مبانی رفاه اجتماعی. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. ایران.
- زاهدی، م. ج.، شیانی، م. و علی پور، پ. ۱۳۸۸. رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۳۲: ۱۲۹-۱۰۹.
- شایگان، ف. ۱۳۸۹. نگرش نسبت به رفاه اجتماعی - اقتصادی و رابطه آن با اعتماد سیاسی در شهر تهران. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۳: ۱۷۷-۱۴۵.

عربی، م. و خدایپرست مشهدی، م. ۱۳۹۳. مقایسه معیارهای رفاه اجتماعی، توزیع درآمد و فقر خانوارهای روستایی استان خراسان شمالی و کشور طی سالهای ۹۰-۱۳۸۴. نشریه راهبردی توسعه روستایی، ۲: ۳۵-۵۰.

عینالی، ج. و طاهرخانی، م. ۱۳۸۴. ارزیابی عملکرد مجتمع‌های خدمات بهزیستی در رفاه و توسعه روستایی روستاهای سنجاس کرسف و گرماب (شهرستان خدابنده). فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۴: ۷۳-۵۵.

فرهمند، ش.، طیبی، س. ک. و کریمی، م. ۱۳۹۲. اثر تولید و رشد بخشی بر فقر و رفاه اجتماعی در استان‌های ایران، جامعه‌شناسی کاربردی، ۵۰: ۱۴۲-۱۲۷.

فیض‌زاده، ع. و مدنی، س. ۱۳۷۹. تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی: شاخص‌شناسی برای تبیین و سنجش. فصلنامه تأمین اجتماعی، ۷: ۲۳۲-۲۰۹.

لطیفی، غ. و سجاسی قیداری، م. ۱۳۹۰. رتبه‌بندی سطح رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان با استفاده از تکنیک TOPSIS. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۷: ۱۸۹-۱۶۵.

مسعود اصل، ا. ۱۳۸۸. نظام رفاه اجتماعی در جهان. دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس.

موسوی، م. و محمدی، م. ۱۳۸۸. مفاهیم و نظریه اجتماعی. نشر دانژه. چاپ اول.

مهربانی، و. ۱۳۹۱. سلامت خانوارهای روستایی و رفاه اجتماعی رالزی در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴۷: ۸۱-۶۳.

هزارجریبی، ج. و صفری‌شالی، ر. ۱۳۹۰. رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن مطالعه موردی شهر تهران. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۵: ۲۲-۱.

یزدانی، ف. ۱۳۸۲. مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی، حمایت اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی). فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۰: ۵۴-۳۱.

Midgely, J. 2000. Context of welfare theory: a develop mentalist in perpetration. Center for social development. Washington university.

Schianetz, K., Kavangh, L., Lockington, D. 2007. Concepts and tools for comprehensive sustainability assessments for tourism destinations: A comparative review. *Journal of sustainability tourism*, 4: 369-389.

Shaban, A .Bhole, L.M. 2000. Regional Disparities in Rural Development in India. *Journal of Rural Development*, 19: 103-117.

Tsaur, S. Chiang Lin ,Y. Hui Lin, L. 2006. Evaluating ecotourism sustainability from the integrated perspective of resource. community and tourism. *Journal of Tourism Management*, 4: 640-653.

Zikmund, V. 2003. Health, well-being and the quality of life: Some psychosomatic reflections. *Neuroendocrinol let*, 6: 401-403.

Social Welfare Assessment in Rural Areas with Emphasis on the Views of Local Residents (Case Study: Kheir Area in the Estahban Township)

Saeid Reza Akbarian Ronizi^{1*}, Seyyed Abas Rajaie², Mehdi Ramezanzadeh Lasboye³

Received: September 26, 2014

Accepted: November 30, 2014

Abstract

Rural development is one of the most important processes that is considered in different countries. Rural development needs to recognize the different important components. Social welfare is one of the important components using which enables us to reduce the problems of villages. By this issue we can reduce many problems in rural areas. This study tries to assess and determine the level of social welfare in rural areas of the Kheir area in the Estahban province. The research method that is used is based on descriptive - analysis and field methods (questionnaires and documents). The sample size is 313 persons that reside in twelve villages. The sample size was selected by the Cochran's model. In order to analyze data, we also used both statistical methods (descriptive and inferential statistics) and TOPSIS and Morris methods. The results show that social welfare varies between villages in case study. This value is between 0.11 – 0.95. Social welfare in the rural areas is higher than the average (0.596). The results also show that there is a significant relationship between social welfare and two criteria: population and services. Also there is a statistically significant indirect relationship between distance from the center of township and social welfare.

Keyword: Rural Development, TOPSIS method, Morris method, Index.

1 - Assist. Prof., Geography Department, Faculty of Humanity, Shiraz University

2 - Assist. Prof., Faculty of Geography, University of Tehran

3 - Assist. Prof., Tourism Management Department, Faculty of Humanity & Social Science, University of Mazandaran

(*-Corresponding Author E-mail: akbarian@shirazu.ac.ir)